

دکتر بهرام فره‌وشی  
گروه آموزشی زبان‌شناسی

## زبانها و گویش‌های ایرانی

زبان‌ها و گویش‌های ایرانی که امروز وجود دارند، بخش بزرگی از آسیا را فرا گرفته‌اند. حدود این زبانها از سوی شرق دره رودسند و ایالت چینی سین تسیان است درختا. در مغرب تا منطقه مسیر دجله پیش می‌رود. از شمال بالهجه آسی تا کوه‌های قفقاز کشیده میشود و از جنوب تا بخش جنوبی خلیج فارس و بحر عمان رواج دارد و در کشورهای ایران، افغانستان، پاکستان، ترکیه، عراق، شوروی، سوریه و چین به گویش‌ها و زبانهای مختلف ایرانی سخن می‌گویند و منطقه گسترش زبانهای ایرانی از ۶۲ درجه تا ۴۴ درجه عرض شمالی و از ۳۴ درجه تا ۷ درجه طول شرقی است.

این زبانها را میتوان از نظر زبان‌شناسی مانند زبانهای کهن و بیانه ایرانی بدو دسته متمایز تقسیم کرد: دسته شرقی و دسته غربی

خط مفروضی که از طول کویلوت و دشت کویر بگذرد میتواند زبانهای ایرانی را از دورانهای کهن از نظر جغرافیائی بدو قسمت شرقی و غربی بخش کند. در مورد زبانها و لهجه‌های ایرانی کنونی نیز چنین است، گویانکه برخی از این زبانها مانند بلوچی که متعلق به غرب ایران زمین است امروز در جنوب شرقی

رواج دارد و علت آن مهاجرت این اقوام است و گرنه بلوچی از نظر زبانشناسی متعلق به گروه غربی زبانهای ایرانی است:  
گروه شرقی زبانهای ایرانی عبارتند از:

## ۱ - پشتو یا افغانی

این زبان بازمانده زبان ناحیه بلخ (بساکتریسان) کهن است و در بخشی از افغانستان و پاکستان رایج است و محیط گسترش آن چنین است: در مغرب از محل پیوستن هریرود و رود جام شروع میشود و تا مصب هیرمند بسوی جنوب پیش میرود و از آنجا بسوی قندهار متمایل میشود و در جنوب قندهار بدور بیابان ریگستان میگردد و بسوی (کوئته) در پاکستان پیش میرود و تا کرانه سند استداد می یابد. سپس بسوی شمال می گراید و در جنوب چیترا ل بسوی کابل متوجه میشود و در مغرب هرات به مرز ایران میرسد.

عده ای از مردم پشتوزبان نیز در ساحل چپ آمو دریا (جیحون) و هرات زندگی می کنند و عده زیادی هم در پاکستان و بلوچستان به پشتو سخن میگویند. نزدیک به هفت میلیون و پانصد هزار نفر پشتوزبان در افغانستان و نزدیک به پنج میلیون و پانصد هزار نفر در آنسوی مرزهای افغانستان زندگی می کنند و بر رویهم نزدیک به ۱۳ میلیون نفر به پشتو سخن می گویند. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی زبان پشتو لغات بسیار از فارسی گرفته است و دارای فرهنگ عامیانه بسیار پرمایه ای است. نخستین اثر کتبی ادبی این زبان مربوط به قرن پانزدهم میلادی است و آن فتح نامه ای است که شیخ ملی در فتح سوات نوشته است.

## آسی :

آسی زبان ادبی و محاوره مردمی است که در بخش مرکزی قفقاز در سرزمین خود مختار استی جنوبی که جزئی از جمهوری گرجستان است و در جمهوری خود مختار

اوستی شمالی شوروی زندگی میکنند . رشته کوه‌های اصلی قفقاز منطقه آسی زبان را به دو قسمت تقسیم می‌کند .

نام اصلی این قوم ایرون iron است که یادآور ایران است و زبان ایشان از بازمانده‌های گویش‌های وسیع سکائی و سرمتی است که در زمانهای بسیار کهن به روسیه جنوبی و شمال دریای سیاه دست یافته بودند . اینان از زمانهای کهن در حدود سده‌های ۷-۸ پیش از میلاد در نواحی آسیای مرکزی و روسیه جنوبی پخش شدند و زبان آنها بازمانده گروه کهن زبانهای شمال شرقی ایران است که متعلق به قبایل متعددی مانند سکائی، سیتی، ماساژت، سرمت، آلان و روکسولان است . در اوایل سده میلادی یکی از این قبایل سیت و سرمتی بنام آلان بسوی کوهستانهای قفقاز پیش رفت و با اقوام قفقازی آمیخته گشت و بدینسان ملت آس پدید آمد . واژه اوست شکل روسی شده « آس » است که مورخان مسلمان از آن نام برده‌اند . اینان همان اقوام آسیوئی Asioid هستند که استرابو از آنها نام برده است .

این زبان به دو گویش ایرونی و دیگری تقسیم میشود و در حدود هفتاد و پنج درصد از آسیان به گویش ایرونی سخن می‌گویند و بنای ادبیات آسی نیز بر گویش ایرونی استوار است . زبان آسی بخط لاتینی نوشته میشود و افسانه‌های حماسی بسیار ارزنده‌ای از زمانهای کهن در ادبیات آسی وجود دارد که از مایه‌های کهن ایرانی سرچشمه گرفته است و میتواند به روشن شدن بخش‌های تاریک تاریخ ایران یاری کند .

### ۳- یغناپی

در تاجیکستان در دره رود یغناپ که به زرافشان میریزد ، در میان کوه‌های بلند مردمی در حدود ۶ هزار نفر به زبان یغناپی سخن می‌گویند . این زبان بازمانده مستقیم سغدی است که در دره رود زرافشان رایج بوده است . شناسائی این زبان برای مطالعه زبان سغدی حائز اهمیت بسیار است .

#### ۴ - زبانهای پامیری .

مردمی که به زبانهای گونساگون پامیری سخن میگویند بیشتر در نواحی کوهستانی بدخشان و تاجیکستان و افغانستان و جنوب غربی چین در دره‌های پامیر غربی زندگی می‌کنند . گویش‌های ایشان چنان بایکدیگر متفاوت است که پامیریان از زبان فارسی بعنوان زبان مشترك استفاده می‌کنند و همه به دو زبان سخن میگویند . مجموعه گویش‌های پامیری را میتوان به دو گروه شمالی و جنوبی تقسیم کرد .

گروه شمالی عبارتند از :

گویش شوغنانی که بین مردم شوغنان افغانستان رایج است و زبان آموزشی آنان فارسی است .

در قسمت‌های شمالی تر در کشورهای افغانستان و شوروی مردمی زندگی میکنند که به گویش روشنی سخن میگویند .

در مسیر رود برتنگ عده‌ای به گویش برتنگی سخن میگویند .

در قشلاق اوروشور orošor و در روستاهای مجاور آن عده‌ای به گویش اوروشوری سخن میگویند .

در ایالت سین‌تسزیان چین در ناحیه ساریکل عده‌ای به گویش ساریکلی سخن میگویند .

در جامک و اندر باغ عده‌ای به گویش یزغولومی سخن میگویند .

در ناحیه ایشکشیم در مسیر رود پنج و قشلاق رین و سنگاچ عده‌ای به گویش ایشکشیمی سخن میگویند .

عده زیادی در کوه‌های واخان افغانستان و شوروی به گویش واخی سخن میگویند .

در مونجان بدخشان عده‌ای گویش سونجانی دارند .

در دره لوت کوه گویشی بنام بیدغه‌ای وجود دارد

گروه جنوبی این گویش‌ها عبارتند از :

گویش ارسوری یا پرکی که در جنوب کابل و در پاکستان رواج دارد .  
گویش پراچی که در قشلاق گوراب در شمال کابل رواج دارد .  
گروه غربی زبانها و گویش های ایرانی عبارتند از :  
۱ - زبان فارسی .

در میان زبانهای ایرانی ، زبان فارسی مقامی ارجمندتر دارد ، این زبان بزرگ دارای ادبیاتی است که در نوع خود در جهان بی نظیر است . زبان فارسی از نظر تاریخی ادامه زبان پارسیک دوره میانه است و مستقیماً از زبان فارسی باستانی سنگ نبشته های هخامنشیان پدید آمده است ولی در طول تاریخ سه هزار ساله خود تحول یافته و با واژه هایی که از گویش های ایرانی و زبان های گوناگون مانند پارتی ، سغدی و بویژه عربی گرفته خود را غنی تر ساخته است . فارسی در قرون وسطی زبان بین المللی و ادبی قسمت بزرگی از آسیا بوده است .

نخستین آثار و اسناد زبان فارسی کنونی که یافت شده متعلق به قرن هشتم میلادی است و آن قطعاتی از نامه هایی است بخط عبری و بزبان فارسی که اصطلاحاً اسناد یهود و فارسی نامیده میشوند و درختن یافت شده اند .

زبان فارسی علاوه بر ایران کنونی در بین گروه انبوهی در تاجیکستان و در افغانستان و پاکستان نیز رایج است .

این زبان ، زبان ملی جمهوری تاجیکستان است و در سراسر آن جمهوری بدان صحبت میکنند .

فرق زبان فارسی تاجیکی با فارسی ایرانی در اینست که فارسی تاجیکی از نظر آوایی بویژه و وایل ها حالت قدیمی پهلوی خود را حفظ کرده است و از بسیاری از واژگان کهن فارسی استفاده می کند و برخی از وجوه و زمانهای دستوری را که در فارسی متروک مانده اند هنوز بکار میبرد و نیز برخی از واژه های روسی مربوط به تمدن جدید داخل آن گشته است .

در جمهوری های دیگر شوروی نیز عده زیادی به فارسی صحبت میکنند .

در ازبکستان در حدود چهارصد هزار نفر پارسی گوی وجود دارد که بیشتر در دره فرغانه و دره زرافشان و ناحیه «کشکه دریا» زندگی میکنند. حتی در قشلاقهای بزرگ تعداد فارسی زبانان بیش از ازبکان است. در ناحیه SOX «سخ» فرغانه در واحه ریشتن در حدود صد و پنجاه هزار نفر بفارسی صحبت میکنند و در مسیر رود زرافشان در شهرهای بخارا و سمرقند نیز عده زیادی فارسی زبان وجود دارد. گروهی نیز در اطراف شهر تاشکند باین زبان تکلم میکنند.

زبان فارسی از طرف شمال شرقی تاشکند وارد جمهوری قزاقستان میشود و در نواحی «بریچمول» و «باستاندیکت» عده ای بفارسی تکلم میکنند. در ترکمنستان نیز در نواحی «جلال آباد» و «اوشس» عده زیادی فارسی زبان وجود دارد. علاوه بر تاجیکان و گروههای فوق الذکر، یهودیان بخارا و سمرقند و کته گورگان و شهرهای فرغانه همگی بزبان فارسی صحبت میکنند و عده آنها کثیر است. کولیان آسیای میانه و جوگیان و سزنگیان و دیگر طوائفی که مشابه آنها زندگی میکنند و در فرغانه و سمرقند و حصار و نواحی دیگر ازبکستان و تاجیکستان و ترکمنستان سکونت دارند. فارسی زبانند.

قبایل معروف به اعراب آسیای میانه که در حدود هفتاد هزار نفرند و نیز تعداد زیادی بلوچ و افغان از طوایف جمشیدیان و هزاره که در ترکمنستان و تاجیکستان هستند به فارسی سخن میگویند. علاوه بر این عده بسیاری از ازبکان بخارا و سمرقند و زبانانی هستند و در موقع تکلم با پارسی زبانان بفارسی صحبت میکنند. عده ای فارسی زبان نیز در اتحاد جماهیر شوروی هستند که خود را ایرانی میخوانند و طبق سرشماری سال ۱۹۳۹ عده آنها بالغ بر چهل هزار نفر بوده است که بیشتر در ازبکستان و ترکمنستان و در نواحی عشق آباد و مرو و قفقاز ساکن اند.

فارسی زبانان در افغانستان بیشتر در نواحی شمالی و مرکزی افغانستان متمرکز هستند و بیش از پنجاه درصد از مردم «کته گن» و هفتاد و پنج درصد از مردم ایالت بدخشان و قسمت مهمی از مزار شریف و هرات بفارسی سخن میگویند، عده ای دیگر

در جنوب هندوکش در دره‌های رودهای پنج‌شیر و شتول و گوربند و نیز در ایالت کابل و نواحی گندسک و قندهار فارسی زبانند .

در پامیر مردمی که بفارسی صحبت میکنند خود را « پارسی گوی» میخوانند . در جنوب قندهار در ناحیه بست قدیم و بیست کنونی در امتداد رود هیرمند همه به پارسی تکلم میکنند . بخش مهمی از ساکنان شهرهای بزرگ افغانستان مانند هرات به کابلی یا فارسی کابل سخن میگویند . قبیله فیروز کوهی که گویا در آغاز سده پانزدهم توسط امیر تیمور از قلعه فیروز کوه در مازندران به افغانستان کوچانده شده است و دارای نود هزار جمعیت است همه بفارسی سخن میگویند . اینان در منطقه مسیر رود سرخاب در شرق و شمال شرقی (قلعه نو) زندگی میکنند . ایل جمشیدی در افغانستان که در نزدیک خراسان زندگی میکنند و در حدود ۳ هزار نفرند همه بفارسی سخن میگویند . ایل «نایمانی» که قریب ۹ هزار نفرند و در جنوب شرقی هرات زندگی میکنند پارسی زبانند . اهالی هزاره که در قسمتی از فلات بادغیس اقامت دارند و نیز عده‌ای از آنها که در میان کابل و هرات در هزارجات زندگی میکنند دسته دیگرشان در دره پنج‌شیر ساکنند همه فارسی زبانند و در حدود یک میلیون نفرند . قباایل صحرائشین تیموری که در جنوب هرات در خط سرزی ایران و افغان زندگی میکنند نیز بفارسی سخن میگویند . زبان فارسی در افغانستان و تاجیکستان زبان ادبی است و آن کتابها و روزنامه‌های بسیار منتشر میشود و دارای نویسندگان و سخنوران بسیار است .

عده‌ای پارسی زبان در پاکستان در نواحی کلات، کوئته، پشاور و جیترال زندگی میکنند و نیز در ایالت «سین تسزیان» چین در حدود ۱۷ هزار پارسی زبان وجود دارد .

علاوه بر این در سرزمین عراق در بغداد و نجف و کربلا و بصره و غیره در حدود ۱۰ هزار نفر پارسی گوی وجود دارد . در عربستان سعودی و جزایر خلیج فارس و همچنین در «مدینه» ، «القطیف» و «ظهران» و شمال غربی «مسقط» و حتی در سرکز

شبه جزیره عربستان در واحه حول قریب . ۲۰ هزار نفر بفارسی و دیگر گویش های ایرانی صحبت میکنند .

## ۲- کردی .

به این زبان ایرانی در کردستان ایران و عراق و ترکیه و سوریه گفتگو میکنند . محیط گسترش زبان کردی از مشرق سرزمین های بین دریاچه « وان » و رضائیه است . در جنوب شرقی تا حوالی کرمانشاه امتداد مییابد ، در غرب و شمال غربی در مسیر علیای دجله و فرات امتداد دارد .

در کشور ترکیه کردان در فلات ارمنستان و قسمت علیای بین النهرین ساکنند و بیشتر در دیاربکر، ماردین، اورفا، ارزنجان، ملطیه، قارص و ارض روم زندگی میکنند و نیز در مرکز ترکیه، در شرق سیواس و نواحی ماراش و در جنوب آنکارا و جلگه قونیه و نواحی مرکزی آناتولی ساکنند .

در عراق کردان در طول اراضی مرزی ایران و ترکیه و سوریه و در مسیر دجله و زاب بزرگ و کوچک در نواحی موصل، کرکوک، رواندوز، اربیل، سلیمانیه، و جبال سنجار اقامت دارند .

کردان سوریه در شمال شرقی آن سرزمین و شمال حلب و دمشق ساکن اند . عده ای کرد زبان نیز در ارمنستان و در آذربایجان شوروی و در گرجستان و ترکمنستان و افغانستان و پاکستان زندگی می کنند .

کهن ترین سند آسیایی که از کردان یاد کرده است، کارنامه اردشیر- بابکان است بزبان پهلوی که از کردان شبانان نام میبرد . زبان کردی دارای ادبیات است و از قرن دوازدهم میلادی اثری از شاعری بنام احمد جزیری در دست است . فرهنگ عامیانه کردی دارای ریشه های کهن است و حاوی حماسه های پهلوانی ایرانی و ترانه های بسیار است که در آنها سباززه با اعراب و مغول و ترک و صلیبیون منعکس است . گروه اصلی لهجه های کردی به دو لهجه کورمانجی



یا لهجه شمال غربی و لهجه جنوب شرقی تقسیم میشود.

لهجه کورمانجی بیشتر در میان کردان ماردین و بهدینان و حقاری و وان و ارض روم و آذربایجان ایران و خراسان و شمال عراق و سوریه و شوروی متداول است و لهجه جنوب شرقی بیشتر در ایران و شمال شرقی عراق رایج است.

دو گویش دیگر معمولاً جزء دسته زبانهای کردی محسوب میشوند ولی از نظر زبان شناسی بایستی آنها را گروه های جداگانه ای دانست. یکی از آنها گویش « زازا » است که شامل لهجه های سیورک و چبخچور و کر میشود و دیگری لهجه گورانی است که در کندوله و پاوه و اورامان و تله هاشک بدان سخن میگویند. لهجه گورانی ادبیات بزرگی درباره مذهب اهل حق دارد.

### ۳ - بلوچی

زبان بلوچی گرچه در جنوب شرقی ایران رایج است ولی یکی از گویش های شمال غربی است و بلوچان در حدود قرن دهم میلادی به مسکن کنونی خویش آمده اند.

به نام بلوچ نخستین بار در ستون پهلوی متأخر و در فردوسی برمیخوریم قلمرو این زبان از سمت جنوب به دریای عمان و کرانه غربی آن میرسد و از شرق به دره سند و از شمال غربی به مغرب به کویر لوت منتهی میشود. بلوچان بیشتر در بلوچستان ایران و بلوچستان پاکستان زندگی می کنند. زبان بلوچی در پاکستان تا نواحی جنوب پنجاب و کرانه راست رود سند رایج است و در جنوب افغانستان، در شوروی، در سقط و عمان نیز عده زیادی باین زبان صحبت میکنند در مرکز بلوچستان، قبیله براهوئی، منطقه وسیعی را اشغال کرده و سرزمین بلوچستان را به دو قسمت می کنند. زبان بلوچی به دو گروه شمالی و جنوبی تقسیم میشود و بخش بزرگی از بلوچان بزبان فارسی صحبت میکنند و

مینویسند. فرهنگ عاسیانه بلوچی بسیار پرمایه و گرانبهاست.

#### ۴ - تاتی

تاتیان در برخی از نواحی آذربایجان و داغستان شوروی زندگی میکنند. عده زیادی از ساکنان شبه جزیره آبخوران و باکو وعده‌ای از ساکنان در بند بزبان تاتی صحبت می‌کنند. عده اینان یازده هزار نفر است و نیز در حدود ۲۶ هزار نفر از یهودیان کوهستانی آذربایجان شوروی به زبان تاتی سخن می‌گویند. در ایران نیز عده‌ای از ساکنان روستاهای قزوین تاتی زبان هستند. واژه تات در گویش تاتیان مترادف با «ایرانی» است. اینان گویا در زمان ساسانیان برای نگهداری دربند و مرزهای شمال غربی شاهنشاهی به قفقاز کوچانده شده‌اند.

#### ۵ - گویش کومزاری

در شبه جزیره المسمندام در جنوب تنگه هرمز قبیله‌ای به گویش کومزاری که جزء دسته زبان‌های پارسی است سخن می‌گویند.

#### گویش‌های ایرانی در داخل ایران

گویش‌های داخل ایران از نظر زبان‌شناسی بیشتر متعلق به گروه غربی زبانهای ایرانی هستند و حتی گویش بلوچی نیز که در جنوب شرقی ایران رایج است به گروه زبانهای غربی ایران متعلق است. این مطالعات فرسنگی گویش‌های غربی را از نظر جغرافیائی سینوان به گروه‌های زیر بخش کرد گویش‌های شمالی یا گویش‌های کرانه دریای خزر که شامل گیلکی، طالشی و مازندرانی است. گویش لاهیجان گویشی است میانه گیلکی و مازندرانی. گروه گویش‌های غربی شامل کردی ولری و بختیاری است.

به گویش کردی در کرمانشاه، ماهیدشت، سنندج، مهاباد، ماکو، سخن می‌گویند و نیز عده‌ای که در دیلمان در شمال قزوین و در طول سفیدرود ساکنند به کردی سخن می‌گویند. در کلون عبده در فارس و در قسمت شمالی بلوچستان و

در شمال خراسان و در اطراف نیشابور و بجنورد و شیروان و قوچان و در سرز ایران و شوروی نیز عده‌ای کرد زندگی می‌کنند.

لری و بختیاری در جنوب منطقه کردنشین در سرزمین بین کرمانشاه و بروجرد و شمال خوزستان رایج است.

گوش‌های جنوبی شامل گوش‌های ناحیه فارس است که مهمترین آنها سوغونی، ماسرمی، پایونی، بورینگانی، سیوندی، کندزی، دونی، کردشولی، بندرعباسی و اوزی است. در این میان گوش‌سیوندی در حقیقت یک گوش‌شمال غربی است.

گروه گوش‌های مرکزی خود به چند بخش تقسیم میشوند و عبارتند از: گروه کاشان و اصفهان که شامل ونیشونی، کشه‌ای، زفره‌ای، خونساری، سحلاتی، سدهی، گزی و کافرونی و غیره است. در این میان گوش‌گزی دارای ادبیات کوچکی است و از شاعری بنام درویش عباس گزی دیوانی پراچ در دست است.

گروه یزدی و نائینی که شامل گوش زرتشتیان یزد و کرمان و گوش نائین و فریزند و برند و خور و مهرجان است

گروه سمنانی که شامل سمنانی، لاسگردی، سرخه‌ای، سنگسری، شه‌میرزادی بیابونکی و افتری است.

گروه گوش‌های شمال تهران شامل رودباری، طالقانسی، فشندکی، اوینی، تجربی، روستاهای کرانه جنوبی البرز است.

گروه گوش‌های خراسانی و سیستانی شامل گوش‌های روستاهای بیرجند و قاین و طبس و چوپانان سیستانی است. گروه‌های کوچک آمیخته‌ای نیز وجود دارد که گوش‌ها و زبانهای چندی را درهم آمیخته‌اند مانند گوش بسیار جالب زرگری در اطراف قزوین که در صرف سیستم فعل نزدیک به زبان کولی‌های اروپای مرکزی است و یا گوش خلجی که از نظر دستور زبان ترکی است ولی دارای واژه‌های اصیل فارسی است.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علوم انسانی